

جمعیت مردان مجرد متولد دهه ۶۰ از زنان متولد دهه ۶۰ بیشتر است

یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعلام کرد آمار دختران مجرد بالای ۳۰ سال ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر است. شاید نتوان این را به طور قطع گفت، اما بالا رفتن سن ازدواج در میان دهه شصتی‌ها به خرده‌فرهنگ‌های نانوخته‌ای اما دیکته‌شده در جامعه ما آنقدرها بی‌ارتباط نیست.

به گزارش سایت خبری پرسون، همین چند روز گذشته بود که آماری از دختران مجرد بالای ۳۰ سال در میان خبرها، حواشی قابل‌توجهی را به دنبال داشت. یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعلام کرد آمار دختران مجرد بالای ۳۰ سال ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر است. شاید نتوان این را به طور قطع گفت، اما بالا رفتن سن ازدواج در میان دهه شصتی‌ها به خرده‌فرهنگ‌های نانوخته‌ای اما دیکته‌شده در جامعه ما آنقدرها بی‌ارتباط نیست. معمولا در دوره‌ای که سن ازدواج دهه شصتی‌ها بود، ازدواج با همسالان خود یا ازدواج با اختلاف سنی نهایتا تا دو سال، آنقدرها مطلوب نبود. آنچه باب شد و مطلوب دهه شصتی‌ها بود؛ حداقل اختلاف سنی پنج‌ساله بود.

البته این تمام آسیب و دلیل کلان عروس و داماد نشدن دهه شصتی‌ها در سنین پایین نیست. جامعه ایرانی به یکباره با تحولات مختلفی روبه‌رو شد. مثلا دیگر پدرها باید اجازه می‌دادند که دختران‌شان در دیگر شهرها به تحصیلات‌شان ادامه دهند و ادامه تحصیل در شهر دیگر، نه تنها ضد ارزش به حساب نمی‌آمد که یک ارزش حساب می‌شد. رفته‌رفته کلیشه دختر شاغل، مستقل و تحصیلکرده در جامعه باب شد و این‌گونه تلقی می‌شد که برای ازدواج تا چند سال دیگر هم زمان وجود دارد. حالا در اوج جوانی، آنچه مهم است، ادامه تحصیل یا مثلا پیدا کردن یک جایگاه اجتماعی مطلوب و قابل تحسین است. در صورتی‌که زمان گذشت و پسران و دختران دهه شصتی با گذشت زمان، میل‌شان هم نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده کم شد.

اما معضل فعلی ازدواج به طور کلی در جوانان بالای ۳۰ سال چیست و چرا دهه شصتی‌ها دیگر کمتر میل به ازدواج دارند؟

رسول قبادی دانش‌آموخته جمعیت‌شناسی معتقد است، می‌توان گفت برای برخی از زنان در گروه‌های سنی خاصی (زنان ۳۰ سال و بیشتر با تحصیلات عالی) جمعیت متناسب مرد برای ازدواج وجود ندارد. براساس داده‌هایی که این پژوهشگر در اختیار «فرهیختگان» قرار داده و داده‌های طرح نیروی کار سال ۱۴۰۱، ۱.۴۹ میلیون مرد دهه شصتی و ۹۱۳ هزار زن دهه شصتی مجرد (هرگز ازدواج‌نکرده) بوده‌اند. به این معنا که جمعیت مردان مجرد متولد دهه ۶۰ از زنان متولد دهه ۶۰ بیشتر است.

در سال ۱۳۹۹ میانگین سن در اولین ازدواج پسران و دختران ۲۷.۶ و ۲۳.۴ سال بوده است. با این حال نتایج پژوهش‌های ملی نشان می‌دهد سن موردنظر برای ازدواج نزد مردم، پایین‌تر از آن چیزی است که در عمل رخ می‌دهد. در سال ۱۳۸۲ میانگین سن مناسب ازدواج برای پسران و دختران، به ترتیب ۲۴.۶ و ۲۰.۴ سال و در سال ۱۳۹۶ ۲۴.۸ و ۲۱.۸ برای پسران و دختران بوده است.

آغاز نوگرایی همراه با جوانی دهه شصتی‌ها

پدرام کاویان، پژوهشگر حوزه جمعیت معتقد است دهه شصتی‌ها مخاطب یک‌دسته تغییرات اجتماعی بودند که در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ در حال وقوع بود. کاویان می‌گوید: «در سال‌هایی که دهه شصتی‌ها وارد سن ازدواج شدند، این تغییرات خواه‌ناخواه به‌علتی تبدیل شد که وضعیت فعلی دهه شصتی‌ها، معلول آن علت‌ها شد.

مثلا جامعه به سرعت در معرض نوگرایی بود. وقتی دهه شصتی‌ها جوان می‌شدند، تقریبا سال‌هایی بود که کم‌کم مدرنیسم گردش روی جامعه ایرانی می‌نشست. شبیه به برفی که شروع به باریدن می‌کند. شما تا یک ساعت اول، هنوز هیچ چیز روی زمین نمی‌بینید.

اما وقتی شروع به سفید کردن سطوح زمین می‌کند، می‌گوییم برف نشست. آن حالتی که دهه شصتی‌ها تجربه می‌کردند شبیه همین است. دهه شصتی‌ها داشتند مدرنیسم را تجربه می‌کردند ولی متعلق به جامعه‌ای بودند مربوط به پیشامدرنیسم، یعنی شدتی از مدرنیسم وارد زندگی جامعه ایرانی می‌شد که آن جامعه اصلا برای آن آمادگی نداشت. به سرعت رسانه ملی از تک کانال به سه کانال تغییر کرد. مفاهیم و مضامین جامعه همه به سمت حرکت به سوی این نوگرایی می‌رفت.»

جوانی دهه شصتی‌ها با بی‌ثباتی همراه بود

کاویان می‌گوید که جامعه در آن زمان برای اولین بار، به سوی عدم‌تعیین‌ها و عدم‌ثبات‌ها در حال حرکت کرد. او ادامه می‌دهد: «می‌گویند پدر و مادری که دهه ۳۰ تا ۵۰ ازدواج می‌کردند، به آنها سخت نمی‌گیرند. دختر و پسر به راحتی در یک اتاق خالی خانه، زندگی‌شان را آغاز می‌کردند. آسان می‌گرفتند. همه این موارد را بسیار شنیدم. اما اتفاقی که در آستانه ازدواج دهه شصتی‌ها می‌افتاد این بود که جامعه عدم‌ثبات را تجربه می‌کردند. به این معنی که ثباتی در زندگی جامعه دهه قبل بود که زن می‌گفت این مرد با این شرایط جسمانی و مالی، تا شش سال دیگر خانه‌اش را تهیه کرده و ماشینش را هم خریده است. به یک قوام اقتصادی رسیده است. اما این جامعه، جامعه‌ای بود که با این گزاره‌ها برخورد می‌کرد که دیگر نمی‌توان مانند قبل خانه خرید، دیگر نمی‌توان مثل قبل ماشین و زمین خرید. اکنون دیگر با این امکانات نمی‌توان زندگی گذراند. این جامعه با عدم‌ثبات روبه‌رو شد و والدین دهه

شصتی‌ها هم دیگر حاضر نمی‌شدند این ثبات را فرض بگیرند. بگویند مثلاً قطعا پسر و دخترمان تا ۱۰ سال دیگر به همه‌چیز می‌رسد. می‌گفتند اول برو همه‌چیز را بیاور؛ اما اکنون دیگر زمانه عوض شده است.»